

اسرائیل و بحران های قفقاز جنوبی

فروپاشی اتحاد شوروی سابق خلا ژئوپلیتیکی قابل توجهی در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی که یک منطقه حایل مهم بین چین، روسیه، دنیای اسلام و اروپا می باشد،

سرویس قفقاز جنوبی /آران نیوز
نویسنده: احمد کاظمی مقدمه: با پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی شوروی سابق و برپایی کشورهای مستقل مشترک المنافع، این کشورها هدف آماج حملات سیاسی کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای قرار گرفتند. فروپاشی اتحاد شوروی سابق خلا ژئوپلیتیکی قابل توجهی در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی که یک منطقه حایل مهم بین چین، روسیه، دنیای اسلام و اروپا می باشد، ایجاد نمود. حملات سیاسی کشورهای غربی به منطقه قفقاز و آسیای مرکزی، یادآور خاطره تلخ رقابت روسیه و انگلیس در قرن نوزدهم بر سر این منطقه می باشد که آن را در تاریخ «بازی بزرگ» نامیده اند. اما این بار تعداد بازیگران بطور قابل ملاحظه ای افزایش یافته است. امروزه علاوه بر روسیه و انگلیس، چین، ایران و ترکیه، کشورهای نظیر هند، پاکستان، عربستان، امریکا، ژاپن و برخی کشورهای دیگر غربی و رژیم نژادپرست اسرائیل به عنوان بازیگران جدید در این صحنه وارد رقابت شدند. در میان این بازیگران جدید، اسرائیل یکی از طرفهای فعال محسوب می شود که برای نفوذ در منطقه و برای سرپوش گذاشتن به اهداف توسعه طلبانه سیاسی بویژه در خصوص ایران بیشتر بر محورهای اقتصادی تمایل دارد. اسرائیلیها فعالانه در جستجوی دوستان جدید به منظور گسترش نفوذ در منطقه می باشند. جمهوری آذربایجان، گرجستان، ازبکستان و قزاقستان عمدتاً بخاطر نوع دیدگاههای رهبران لاییک آنها در این خصوص جزء اولویتهای اسرائیل به شمار می روند. چنانچه تجربیات گذشته و حال خاورمیانه نشان می دهد، وجود اسرائیل در هر منطقه ای تنش زا می باشد، از این رو حضور اسرائیل در قفقاز مرکزی نیز به عنوان عامل ناامنی در این منطقه و به ویژه برای ایران به شمار می رود.

الف - نوع حضور و اهداف اسرائیل در منطقه قفقاز جنوبی
طی یک دهه گذشته رژیم نژادپرست اسرائیل از جمله بازیگرانی بوده است که کوشیده است تا به هر نحو ممکن نفوذ خود را در منطقه قفقاز گسترش دهد. این موضوع دارای دلایل متفاوتی است.

اقدام به توصیه بن گوریون مبنی بر لزوم توسعه روابط اسرائیل با کشورهای غیرعربی نزدیک به خاورمیانه، وجود ذخایر عظیم انرژی در قفقاز و انتقال یهودیان منطقه به سرزمینهای اشغالی، از جمله دلایل تلاش اسرائیل برای گسترش نفوذ در قفقاز جنوبی است. یکی از مهمترین دلایل تلاش اسرائیل برای نفوذ در قفقاز وجود مرز طولانی ایران با قفقاز به عنوان کشوری که تل آویو بارها آن را به عنوان مهمترین دشمن اسرائیل عنوان کرده است، می باشد. اسرائیل به شدت از نفوذ اسلام سیاسی در قفقاز نگران است. در این میان جمهوری آذربایجان به خاطر داشتن مشترکات فراوان با ایران و علاقه و ارادت مردمان این سرزمین به ایران به شدت اسرائیل را نگران ساخته است. در چنین شرایطی اسرائیل طی سالهای گذشته کوشیده است که بیشترین نفوذ را در جمهوری آذربایجان بکند تا ضمن جلوگیری از گسترش اسلام سیاسی در این کشور از امکانات جمهوری آذربایجان برای اقدام علیه منافع ملی ایران استفاده کند.

در قفقاز جنوبی نیز با توجه به حساسیت های جهان اسلام اسرائیل بیشتر کوشیده است. محور حضور خود در قفقاز را مسایل اقتصادی و یا همکاریهای علمی و فنی مطرح کند. از اینرو طی سالهای گذشته کمتر شاهد بودیم که اسرائیل برخلاف امریکا و ترکیه توافقنامه همکاری نظامی با جمهوریهای قفقاز جنوبی امضاء کند. اگر چه این روند پس از حادثه یازدهم سپتامبر امریکا و بهانه قرار گرفتن مبارزه با تروریسم تا حدودی تغییر پیدا کرده است. اسرائیل می کوشد که اهداف امنیتی و نظامی خود در قفقاز را از طریق بسیار پنهان و حتی الممکن از طریق کشورهای نظیر ترکیه در منطقه به پیش برد.

نفوذ اقتصادی اسرائیل در منطقه نیز طی سالهای گذشته از دو طریق صورت گرفته است. یا اینکه خود دولت نامشروع اسرائیل اقدام به عقد قرارداد با جمهوریهای قفقاز جنوبی نظیر جمهوری آذربایجان کرده است، بمانند قرارداد اجاره صدها هکتار از زمینهای کشاورزی جمهوری آذربایجان بویژه در نزدیکی مرزهای ایران.

همچنین می توان در این خصوص به قرارداد شرکت هواپیمایی دولتی جمهوری آذربایجان موسوم به «ازال» با شرکت هواپیمایی رژیم صهیونیستی موسوم به «ال آل» در اواسط شهریور 1380 در خصوص برقراری خط پرواز بین باکو - تل آویو اشاره کرد. 1

دوم از طریق عقد قراردادهای ظاهراً اقتصادی میان شرکتهای اسرائیلی با شرکتهای جمهوری آذربایجان. در این خصوص می توان به قراردادی که مارس 2002 در خصوص ساخت دستگاه کولر میان دو شرکت معروف اسرائیلی و جمهوری آذربایجان منعقد شد.

باید گفت یکی از اهداف اسرائیل در منطقه قفقاز گسترش فضای امنیتی خود است. عدم مشروعیت سیاسی اسرائیل در میان بسیاری از کشورهای خاورمیانه سبب شده است تا اسرائیل فضای مناسبی برای تحرک لازم در منطقه را نداشته باشد. در چنین شرایطی حضور در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی با توجه به ویژگیهای ژئوپلیتیکی خاصی که این منطقه دارد، انتخاب مطلوبی برای اسرائیل محسوب می شود. در این راستا تلاش برای جلب همکاری و حمایت جمهوریهای آسیای مرکزی و قفقاز در مجامع بین المللی، کاهش فشارها علیه اسرائیل، خارج کردن خود از بحران مشروعیت سیاسی، جلوگیری از تشکیل جبهه ضد اسرائیلی در منطقه بویژه پس از آغاز انتفاضه جدید مردم مظلوم فلسطین و گسترش سطح تماس با برخی کشورهای اسلامی به منظور ایجاد تفرقه میان آنها، از جمله اهداف اسرائیل در قفقاز محسوب می شود.

یکی دیگر از اهداف اسرائیل در قفقاز و آسیای مرکزی تسهیل مهاجرت یهودیان این منطقه به اسرائیل بطور خاص و یهودیان مقیم اتحاد جماهیر شوروی سابق به طور عام می باشد. این موضوع از ترس تل آویو از نابرابر شدن شدید جمعیت فلسطینی نسبت به یهودیان می باشد. گفتنی است از میان یهودیان مقیم شوروی سابق، دویست هزار نفر ساکن کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز هستند.

براساس اسناد دادستانی کل جمهوری آذربایجان از سال 1991 تا 1995 تنها از 15 هزار نفر یهودی مقیم در شمال غربی این کشور، 4 هزار نفر به فلسطین اشغالی مهاجرت کرده اند. 2

گفته می شود بین سالهای 1989 تا 1997 حدود نیم میلیون نفر روس از اتحاد جماهیر شوروی سابق روانه اسرائیل شده اند. 3

گفتنی است سیاست مهاجری پذیرنده اسرائیل ظاهراً بر مبنای قانون رجعت کنندگان صورت می گیرد؛ بر اساس این قانون کلیه یهودیان جهان، ساکن اسرائیل محسوب می شوند. البته به استثنای افرادی که علیه خلق یهود دست به جنایت زده و یا تهدیدی برای به مخاطره انداختن سلامت عمومی و امنیت آنها انجام داده اند. با وجود این، چنانچه گفته شد مهمترین هدف مهاجرپذیری اسرائیل ترس از نابرابر شدن جمعیت فلسطینی با جمعیت یهودیان است. این نگرانی بویژه از سال 2001 با آغاز انتفاضه مقدس مردم فلسطین و افزایش میزان مهاجرت یهودیان از سرزمینهای اشغالی- مهاجرت معکوس - بیشتر شده است. در این میان منطقه قفقاز که همچون منطقه بکری برای جهانیان پس از فروپاشی شوروی مطرح می باشد، مورد توجه تل آویو قرار دارد.

اکثراً یهودیانی که اسرائیل از قفقاز و سایر مناطق شوروی سابق به سرزمینهای اشغالی منتقل داده است، شامل قشر نخبه و دارای تحصیلات عالی هستند و اسرائیل می کوشد با انتقال آنها به عنوان منابع ملی - انسانی کشور میزبان از انرژی آنها برای تداوم موجودیت نامشروع خود استفاده کند. ضمن اینکه اسرائیل معمولاً در کشورهایی نظیر کشورهای قفقاز عوامل نفوذی و جاسوسان زبده خود را از میان جامعه یهودیان این مناطق انتخاب می کند که زودتر فریب شعارهای رژیم صهیونیستی را می خورند. چنانچه گفته شد هدف مهم و اساسی اسرائیل در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی، جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه قفقاز است. جمهوری اسلامی ایران به دلیل پیوندها و امتیازهای تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی که با منطقه آسیای مرکزی و قفقاز دارد، برای حضور در منطقه از موقعیت مناسبی برخوردار است. دولتمردان ایران پس از فروپاشی شوروی، بارها تمایل خود را برای گسترش روابط با این جمهوریها ابراز داشته اند. طبیعی است نفوذ و حضور همه جانبه ایران در منطقه به عنوان اصلی ترین کشور مخالف رژیم صهیونیستی وزنه را به سود جبهه ضد اسرائیلی در جهان تغییر خواهد داد. در نتیجه مقابله با حضور ایران در منطقه یکی از اهداف امنیتی تنش زای اسرائیل در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی می باشد.

از دیگر اهداف امنیتی تنش زای اسرائیل در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی ترویج تفکرات صهیونیستی است. اسرائیل با بهره گیری از اقلیت یهودی ساکن در جمهوریهای قفقاز از آنان به عنوان اهرم نفوذ برای ترویج اندیشه های صهیونیستی استفاده می کند. برقراری ارتباط یهودیان این مناطق با یهودیان مهاجر از جمله اقدامات اسرائیل در این زمینه می باشد.

از مهمترین اهداف امنیتی تنش زای اسرائیل در منطقه و آسیای مرکزی تلاش برای مقابله با گسترش اسلام گرایی است. منطقه قفقاز بویژه جمهوری آذربایجان به دلیل شرایط فرهنگی و تاریخی که از آن برخوردار است بستر مناسبی برای رشد گرایشهای اسلامگرایانه دارد. از همان اوایل به استقلال رسیدن جمهوریهای قفقاز، نگرانی قدرتهای جهانی و منطقه ای مخالف گرایشهای اسلامی، منجر به تلاش برای ریشه کن کردن این نوع گرایشها در منطقه شد. دستگیری چهار نفر از سران رهبران حزب اسلامی جمهوری آذربایجان در سال 1995 به اتهام جاسوسی برای ایران نشان دهنده این موضوع است. در این میان اسرائیل که رشد جریانهای اسلامی در هر نقطه از جهان را مخالف موجودیت و حیات خویش می داند، تلاش برای مقابله با اسلامگرایی در قفقاز را از اهداف اساسی خود برای نفوذ در این منطقه قرار داده است. برقراری و گسترش روابط با دولتهای لائیک جمهوریهای منطقه قفقاز در راستای تحقق بخشیدن به این هدف صورت می پذیرد. البته اسرائیل در پیگیری سیاست مقابله با اسلام خواهی در منطقه از پشتیبانی و حمایت برخی دولتهای منطقه ای و فرامنطقه ای نیز برخوردار است.

چنانکه اسلام کریم اف رئیس جمهور ازبکستان در حاشیه اجلاس هزاره سران سازمان ملل در سال 2000 از اسرائیل برای مبارزه با آنچه که آن را اصولگرایی اسلامی خواند، کمک خواست.⁴

این روند پس از حادثه یازدهم سپتامبر و مشارکت گسترده ازبکستان در ائتلاف جهانی مبارزه با تروریسم به رهبری آمریکا افزایش یافته است.

از دیگر اهداف اسرائیل در منطقه قفقاز توسعه پیوندهای اقتصادی با این جمهوریها است. گسترش روابط اقتصادی با کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی بویژه در بخش کشاورزی، آبیاری، مدیریت آب و کشت پنبه در سربلند اقدامات اقتصادی اسرائیل در این منطقه قرار دارد. اسرائیل می کوشد با گسترش اختاپوس مانند نفوذ اقتصادی در منطقه، به تدریج عمق استراتژیک نفوذ خود در این منطقه را افزایش دهد. اسرائیل علاقمند به پیشرفت مسائل انرژی منطقه در چارچوب منافع آمریکا است. در این راستا ایهود ایتم سفير اسبق رژیم صهیونیستی در 28 ژوئن 1999 در باکو تاکید کرد که تل آویو از طرح انتقال نفت باکو - جیحان حمایت می کند.⁵

در عین حال بنیامین نتانیاهو نخست وزیر وقت اسرائیل در دیدار 29 اوت 1997 با حیدر علی اف رئیس جمهور آذربایجان در باکو، جمهوری آذربایجان را به عنوان یک تدارک دهنده نفت اسرائیل توصیف کرد و بر پیش بینی یک پروژه، با اضافه کردن خط لوله ای به خط لوله باکو - جیحان از زیر دریا به اسرائیل تاکید کرد.⁶

از جمله اهداف دیگر رژیم صهیونیستی در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی مربوط به فن آوریهای هسته ای در این منطقه است. برخی از جمهوریهای منطقه نظیر قزاقستان از تجارب و اندوخته های گراندوری در زمینه تولید فن آوریهای هسته ای برخوردارند. اسرائیل نگران انتقال این تجارب به ایران است. اسرائیل با حساسیتی که نسبت به این مسئله داشته، همواره از رهبران آسیای مرکزی و قفقاز خواسته است تا نسبت به تحقق نیافتن این امر، تمهیدات لازم را روا دارند.

زمانی که چنین شایعاتی قوت گرفت، نورسلطان نظربایف رئیس جمهور قزاقستان، در سخنانی با یک روزنامه مهم اسرائیلی گفت: «در مورد سلاحهای هسته ای که در اختیار ماست شما نگران نباشید؛ ما از آنها به خوبی نگهداری می کنیم و خارج شدن آنها از مرزهای ما غیرممکن است.»⁷

همچنین بنیامین نتانیاهو نخست وزیر وقت اسرائیل در دیدار 29 اوت 1997 از جمهوری آذربایجان نگرانی خود را در مورد فروش احتمالی فن آوری هسته ای به دشمن اصلی رژیم صهیونیستی یعنی ایران که مرز زمینی و طولانی با آذربایجان دارد را برای علی اف یادآوری کرد.⁸

رژیم صهیونیستی با طرح چنین ادعاهایی ضمن اینکه می کوشد وجهه جمهوری اسلامی ایران را تخریب نماید، بلکه می کوشد با اختلال در همکاریهای مسالمت آمیز هسته ای ایران و روسیه زمینه را برای همکاری نظامی با این کشورهای فراهم سازد. در همین راستا جولای 2001 ترکیه و رژیم صهیونیستی در مورد اجرای سیستم موشکی آرو که به نوعی همان طرح سپر موشکی آمریکا است، توافق کردند.

به باور کارشناسان سیاسی، نیاز جمهوریهای منطقه قفقاز به سرمایه و تکنولوژی، وجود رهبران لائیک در منطقه و وجود جمعیت یهودیان در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی که 200 هزار نفر تخمین زده می شوند، از عوامل تسهیل کننده حضور اسرائیل در این منطقه است.

یکی از مهمترین ابعاد حضور اسرائیل در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی که می تواند به عنوان یک منبع مهم تنش زایی و ناامنی مطرح باشد، مربوط به همکاری مشترک اسرائیل با ترکیه و ج. آذربایجان و به ویژه با ترکیه است. این همکاری از اواخر آوریل سال 2002 با تاسیس اتحاد نظامی - امنیتی ترکیه، جمهوری آذربایجان و گرجستان در نشست سران سه کشور در ترابوزان ترکیه شدت یافته است. این همکاری به شدت مورد حمایت آمریکا بوده و هدف غایی آن گسترش دادن اتحاد نظامی 1996 ترکیه و اسرائیل به ج. آذربایجان و منطقه قفقاز در راستای طرح به اصطلاح «خاورمیانه بزرگ» است که هدف آن خارج کردن اسرائیل از انزوای منطقه ای است. بویژه با آغاز دور جدید انتفاضه در سرزمین های اشغالی و تشدید مواضع ضد اسرائیلی کشورهای عربی این سیاست هر چه بیشتر از سوی تل آویو دنبال می شود.

به طوری که در دو ماه اول سال 2001، «ماسالخ» معاون وزیر امور خارجه اسرائیل دو بار از جمهوری آذربایجان دیدار کرد. از جمله 15 ژانویه 2001 ماسالخ با حیدر علی اف رئیس جمهور وقت آذربایجان در باکو دیدار کرده و بر لزوم گسترش روابط باکو - تل آویو تاکید کرد.⁹

چنانچه گفته شد اتحاد نظامی عملی ولی اعلام نشده ترکیه، اسرائیل و آذربایجان نیز در راستای طرح به اصطلاح خاورمیانه بزرگ می باشد. در همین راستا آمریکا تلاشهای زیادی برای گسترش دادن روابط جمهوری آذربایجان به عنوان یک کشور کلیدی در قفقاز با اسرائیل انجام داده است. در این خصوص می توان به گروه پارلمانی موسوم به گروه همکاری مجالس اسرائیل، آمریکا و جمهوری آذربایجان اشاره کرد که اواخر سال 1999 تشکیل شد. مقامات جمهوری آذربایجان کوشیده اند تا این گروه پانزده عضوه را تقویت کنند تا بتوانند حتی الممكن از این طریق از کمک های مالی غرب بهره مند شوند.

رضا عباداف رئیس کمیسیون روابط بین الملل مجلس ملی جمهوری آذربایجان روز جمعه نوزدهم فروردین ماه 1378 ادعا کرد، آینده سیاسی گروه پارلمانی مشترک اسرائیل، آمریکا و جمهوری آذربایجان بسیار امیدبخش است.¹⁰

البته وی اشاره نکرد که روابط آذربایجان طی سالهای گذشته با اسرائیل و آمریکا، که حتی به تمامیت ارضی ج. آذربایجان رای منتع داده اند، چه سودی داشته است که اکنون بتوان به آینده گروه دوستی آمریکا، اسرائیل و ج. آذربایجان امیدوار بود. در هر حال اسرائیل برای رسیدن به اهداف امنیتی اش در قفقاز به یاری آمریکا و ترکیه از همان ابتدای استقلال جمهوریهای قفقاز برای گسترش روابط با این جمهوریها کوشیده است. چنانچه در سال 1991 انجمن دوستی آذربایجان - اسرائیل ایجاد شده است. اکنون در آذربایجان تقریباً 26 هزار یهودی زندگی می کنند. یهودیهای آذربایجان با جوامع یهودیان آمریکا و اسرائیل روابط نزدیکی دارند.

در این راستا روسای جوامع یهودیان آذربایجان از تاریخ 6 الی 21 نوامبر 1998 با روسای 6 سازمان پیشرو یهودی آمریکا ملاقات کرده اند. روسای سه جامعه یهودی آذربایجان در سال 1999 در نود و سومین اجلاس سالانه کمیته یهودیان آمریکایی و ششمین ملاقات جوامع یهودی شرکت کردند. حیدر علی اف رئیس جمهور وقت آذربایجان در تاریخ 15 نوامبر 1998 هنگام ملاقات با روسای جوامع یهودی گفت: «در آذربایجان احساسات ضد یهودی وجود ندارد و ما هرگز وجود آن را اجازه نخواهیم داد. این موضع استوار و تغییرناپذیر ماست».

در راستای تلاش رژیم صهیونیستی برای نفوذ در جمهوری آذربایجان سرتیپ «گزائیم سنی» معاون وزیر دفاع و رئیس مشترک اسرائیلی گروه دوستی بین پارلمانی آذربایجان - آمریکا - اسرائیل در ماه دسامبر سال 1999 به آذربایجان سفر کرد.¹¹ وی در دیدار با حیدر علی اف تاکید کرد از نظر اسرائیل روابط برادرانه ترکیه - آذربایجان و سطح بالای روابط ترکیه - اسرائیل به اتحاد آذربایجان - ترکیه - اسرائیل کمک می کند.

به عقیده کارشناسان سیاسی نطفه روابط بین آذربایجان و اسرائیل با سفر معاون نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی به باکو در سال 1372 شمسی بسته شد و طی آن مقاله نامه افتتاح سفارت اسرائیل در باکو منعقد شد. روابط رسمی جمهوری آذربایجان و رژیم اشغالگر قدس در سال 1372 با معرفی «الیزویتواب» به عنوان کاردار موقت رژیم صهیونیستی برقرار شد. وی یک سال بعد به عنوان سفیر اسرائیل در ج. آذربایجان ارتقا مقام یافت. همکاریهای امنیتی اسرائیل و ج. آذربایجان بویژه در آگوست 1995 با سفر یک هیات از کارشناسان امنیتی اسرائیل به جمهوری آذربایجان جهت آموزش نیروهای امنیتی این کشور افزایش یافت. با سفر 29 اوت 1997 نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی به جمهوری آذربایجان این روابط گسترش یافت. به طوری که اکنون بویژه از دو سه سال گذشته اظهارات مقامات جمهوری آذربایجان در مورد رژیم صهیونیستی به حدی از واقعیات دور شده است که موجب توجه محافل شده است.

به عنوان نمونه حیدر علی اف رئیس جمهور وقت آذربایجان در 15 ژانویه 2001 در دیدار با ماسالخ معاون وزیر امور خارجه اسرائیل، در باکو تاکید کرد، در مشکل خاورمیانه موضع آذربایجان این است که اسرائیل دوست ماست و فلسطین هم خاک و وطن اسرائیلیهاست. وی همچنین دسامبر 1999 در دیدار با معاون وزیر دفاع رژیم صهیونیستی وضعیت ارضی جمهوری آذربایجان را با وضعیت ارضی رژیم صهیونیستی یکسان دانسته و بدین ترتیب اسرائیل را از طرفی متجاوز، به طرفی مورد تجاوز قرار گرفته تبدیل کرد.

علی اف در 21 آوریل 2000 نیز در جشن سالروز تاسیس رژیم صهیونیستی، تاسیس این رژیم در سال 1948 را یک حادثه بزرگ تاریخی عنوان کرد. 12 در 21 آوریل 2002 نیز در شرایطی که اسرائیل در غزه و نابلس دریای خون به راه انداخته بود، علی اف این موضع را تکرار نمود.

به خاطر همین موضع انفعالی باکو و نفوذ ایادی رژیم صهیونیستی در رده های عالیترتبه تصمیم گیری جمهوری آذربایجان، با آغاز انتفاضه جدید در سرزمینهای اشغالی که با جنایات ددمنشانه نظامیان رژیم صهیونیستی علیه مردم بی دفاع فلسطین همراه است، باکو موضع سکوت و حتی بدتر از آن را در پیش گرفته است. باکو حتی اقدامات شهادت طلبانه فلسطینی ها را به عنوان یک اقدام تروریستی قلمداد کرده و محکوم می کند.

باکو همچنین 24 آوریل 2001 با برگزار کردن همایش بین المللی یهودیان قفقاز در باکو همزمان با برگزاری همایش بین المللی حمایت

از انتقاضه در تهران به خوبی سرسپردگی خود به اسرائیل و آمریکا را نشان داد. 13 بدین ترتیب به نظر می رسد اسرائیل به یکی از مهمترین اهدافش یعنی استفاده از جمهوری آذربایجان برای ایجاد تفرقه در میان جهان اسلام رسیده است.

این در شرایطی است که اسرائیل طی سالهای گذشته علیرغم درخواستهای مکرر شخص رئیس جمهور آذربایجان کمکی به لغو مصوبه 907 کنگره آمریکا یا مصوبه تحریم مالی جمهوری آذربایجان، نکرده است. این مصوبه به تصمیم مجلس سنای آمریکا از دسامبر 2001 به مدت یک سال به حالت تعلیق درآمده است. بلکه 15 دسامبر 1999 اسرائیل با دادن رای ممتنع به تمامیت ارضی ج. آذربایجان در رای گیری مجمع عمومی سازمان ملل نشان داد که تا چه حد به جمهوری آذربایجان احترام قائل است!! اسرائیل با این موضع خصمانه همچنین نشان داد که لاینحل ماندن مناقشات قومی منطقه قفقاز جنوبی را عاملی برای افزایش حضورش در منطقه می داند. از این رو باید گفت حضور اسرائیل در منطقه قفقاز یکی از عوامل ناامنی و تنش زایی در این منطقه است.

با وجود این، روابط اسرائیل با دو جمهوری دیگر قفقاز بویژه ارمنستان به اندازه روابط اسرائیل با جمهوری آذربایجان وسیع نیست. از نظر ارامنه یکی از اهداف اتحاد نظامی سه جانبه اسرائیل، ترکیه و جمهوری آذربایجان، تحت فشار قرار دادن ارامنه است. به طوری که حتی «بنیه بری» رئیس پارلمان لبنان 18 اکتبر 1999 نیز طی مصاحبه مطبوعاتی در ایروان تاکید کرد که اتحاد اسرائیل و ترکیه برای ارمنستان مشکل ایجاد خواهد کرد. 14

حساسیت ارمنستان به این موضوع از اواخر آوریل سال 2003 با تاسیس اتحاد امنیتی - نظامی سه جانبه ترکیه، جمهوری آذربایجان و گرجستان موسوم به اتحاد ترابوزان به شدت افزایش یافته است. بطوریکه سفرها و تضمین های رئیس پارلمان و رئیس جمهور گرجستان به ارمنستان در نیمه دوم سال 2001 و پس از آن توانست مقامات ارمنستان را قانع سازد مقامات ارمنستان از جمله وارتان اوسکانیان وزیر امور خارجه و رئیس ستاد کل ارتش ارمنستان تهدید کرده اند که ارمنستان در قبال اینگونه اتحادهای امنیتی تنش زا ساکت نخواهد نشست.

روابط رژیم صهیونیستی با گرجستان نیز طی سالهای گذشته روند صعودی داشته است. این همکاری همزمان با سفر «موشه کنتساو» رئیس جمهور رژیم نامشروع صهیونیستی به گرجستان در 26 ژانویه 2001 و عقد قرارداد مبارزه با تروریسم گسترش یافت. 15 گرجستان با عقد این قرارداد وارد بازی خطرناکی شد، چرا که رژیم صهیونیستی از فلسطینیهای مبارز به عنوان تروریست نام می برد.

باید گفت موقعیت استراتژیک گرجستان در کنار دریای سیاه به همراه واقع شدن این کشور در بطن طرحهای غربی انتقال انرژی نظیر باکو - جیحان و ترانس خزر که اکنون جای خود را به طرح باکو - تفلیس - ارزروم داده است، به همراه دیدگاه غرابگرایانه شوارد نادره رئیس جمهور وقت گرجستان از جمله دلایل علاقمندی غرب به حضور در گرجستان بوده است. رژیم صهیونیستی نیز همسو با متحد استراتژیکش آمریکا طی ده سال گذشته توجه خاصی به گرجستان داشته است. در همین راستا از سال 1992 سفارت رژیم صهیونیستی در گرجستان دایر می باشد. پس از حادثه یازدهم سپتامبر آمریکا و مشارکت گرجستان در مبارزه با تروریسم، رژیم صهیونیستی نیز تلاش گسترده ای برای افزایش همکاریهای امنیتی با گرجستان آغاز کرده است. این روند از فوریه 2002 همزمان با مطرح شدن تصمیم آمریکا به اعزام نیرو به گرجستان به بهانه مخفی شدن تروریست های مرتبط با شبکه القاعده بن لادن در دره پانکیسی ((Pankisi گرجستان و آغاز ورود نیروهای آمریکایی به گرجستان از می 2002 به این کشور تشدید یافته است. بطوریکه روزنامه «آخالی ورسیا» چاپ تفلیس در شماره روز دوشنبه 18 مارس 2002 خود فاش ساخت، اسرائیل و گرجستان در تولید و مونتاژ مهمات نظامی همکاری می کنند. به نوشته این روزنامه مذاکره برای احداث کارخانه تولید مشترک مهمات نظامی طی سه سال گذشته بین وزارت اقتصاد، صنعت و بازرگانی گرجستان و شرکت «آی.ام.آی» اسرائیل جریان داشته است. بگفته «نوادار جاپانی» یک مقام نظامی گرجستان این کارخانه تا پایان سال 2002 احداث خواهد شد. (16) بدین ترتیب همکاری نظامی و امنیتی گرجستان و اسرائیل وارد مرحله نوینی شده و برای اولین بار اسرائیل یک کارخانه مهم نظامی را در قفقاز به بهره برداری خواهد رساند.

این نکته مهم را نیز باید گفت که سیاست ناتوگرایی برخی از جمهوریهای قفقاز جنوبی از جمله جمهوری آذربایجان و گرجستان زمینه مناسبی برای نفوذ اسرائیل در قفقاز جنوبی فراهم ساخته است. اسرائیل به بهانه رساندن ارتش و نیروی نظامی جمهوریهای قفقاز جنوبی به سطح استانداردهای ناتو، این کشورها را به همکاریهای امنیتی و نظامی با خود ترغیب می کند.

در هر حال باید گفت اسرائیل با مساعدت ترکیه و آمریکا اهداف توسعه طلبانه ای در منطقه قفقاز دنبال می کند که بخشی عمده از آنها برای منزوی کردن ایران است. اغلب اهداف اسرائیل در منطقه تنش زا بوده و ترتیبات امنیتی این منطقه را پیچیده می سازد. در واقع اسرائیل بنا به ماهیت جنگ طلبانه خود، وضعیت نه جنگ نه صلح در منطقه را زمینه مناسبی برای حضور در این منطقه می داند و در این راستا نیز تلاش می کند. حتی تلاشهای اقتصادی و علمی - فنی اسرائیل در منطقه قفقاز نیز ماهیتی سیاسی و امنیتی دارند. در هر حال اقداماتی که اسرائیل طی سالهای گذشته در منطقه انجام داده است باعث تشدید صف بندیهای امنیتی و نظامی شده است.

ب - نقش بحران ساز اسرائیل

منطقه قفقاز جنوبی بعنوان یکی از کانونهای بحرانی در جهان شناخته می شود. این منطقه اکنون با مناقشات فعال و کلان قومی - سرزمینی نظیر مناقشه قره باغ، مناقشه آبخازیا و اوسیتای جنوبی روبرو است. در عین حال فهرست طولی از بحرانهای قومی، اختلافات مرزی، بحران هویت و انواع ناامنی های اقتصادی، سیاسی، نظامی، ارتباطی، غذایی و حتی زیست محیطی و هسته ای در قفقاز وجود دارد.

این موضوعات بیشتر ناشی از روند تحولات قفقاز در دو قرن گذشته بویژه اقدامات دوران شوروری نظیر ایجاد مرزهای تحمیلی، هویت زدایی از اقوام و سیاست جابجایی اقوام استالین می باشد.

نگاهی به تحولات یک دهه گذشته منطقه نشان می دهد که اسرائیل طی یک دهه گذشته سیاست محتاطانه و در عین حال حساب شده ای در خصوص بحرانهای کلان قومی سرزمینی قفقاز اتخاذ کرده است. رژیم صهیونیستی تاکنون هیچ تمایلی به حضور در گروه های دخیل در حل و فصل مناقشات قفقاز جنوبی نظیر گروه موسوم به دوستان دبیرکل سازمان ملل برای حل و فصل مناقشه آبخازیا و یا گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا برای حل و فصل مناقشه قره باغ نشان نداده است یا هیچ اقدام آشکاری که نشان دهنده تمایلات میانجیگرانه رژیم صهیونیستی در مناقشات قفقاز جنوبی باشد، انجام نداده است. آنچه که تحولات گذشته ثابت کرده است این

است که اسرائیل تداوم شرایط نه صلح و نه جنگ در قفقاز را زمینه مساعدی برای گسترش نفوذ خود در منطقه قفقاز و امتیازگیری از کشورهای منطقه می‌داند.

در خصوص مناقشات آبخازیا و اوسیتای جنوبی گرجستان، موضع تل آویو تا حدودی مشخص تر بوده است. در مناقشات آبخازیا و اوسیتای جنوبی یک طرف درگیری دولت مرکزی گرجستان و طرف دیگر نیز مناطق جدایی طلب سوخومی (مرکز آبخازیا) و تسخینوالی (مرکز اوسیتای جنوبی) بوده است. از اینرو همواره تل آویو حداقل در سیاست آشکار و اعلام شده خود در منطقه قفقاز جنوبی از تمامیت ارضی گرجستان حمایت می‌کند و در رای‌گیری‌های انجام شده در سازمان ملل نیز رای مثبت به تمامیت ارضی گرجستان داده است.

با وجود این، در مناقشه قره باغ موضع اسرائیل بسیار محتاطانه بوده است. چرا که در مناقشه قره باغ از یک سو طرف درگیری جمهوری آذربایجان است که با داشتن موقعیت استراتژیک در قفقاز جنوبی دارای ذخایر قابل توجه انرژی فسیلی است که کشورهای غربی و متحد آنها چون اسرائیل نمی‌توانند به آن بی‌توجه باشند. بویژه اینکه در چارچوب اتحاد امنیتی سه جانبه جمهوری آذربایجان، ترکیه و رژیم صهیونیستی با یکدیگر همکاری دارند؛ در عین در طرف دیگر مناقشه قره باغ ارمنستان است که لابی ارمنی آن در بسیاری از کشورهای غربی از جمله آمریکا و فرانسه از نفوذ قابل توجهی برخوردار است، ضمن اینکه مسیحی بودن ارمنستان خودبخود یک امتیاز برای این کشور در کلپ مسیحی اروپا و آمریکا در برابر جمهوری آذربایجان محسوب می‌شود. اسرائیل نیز به این موضوع مهم بی‌توجه نیست. در نتیجه طی یک دهه گذشته اسرائیل موضع محتاطانه‌ای در خصوص مناقشه قره باغ گرفته است. سفرای اسرائیل در جمهوری آذربایجان و ارمنستان طی سالهای گذشته بارها در اظهاراتشان سعی کرده اند بفع کشور میزبان خود در خصوص مناقشه قره باغ موضع گیری کنند. بر این اساس نیز تا سال 2000 اسرائیل همواره در رای‌گیری سازمان ملل در خصوص تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان رای ممتنع داده است. این موضوع تا حدودی متاثر از رای ممتنع اغلب کشورهای غربی نظیر آمریکا و فرانسه به تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان و نیز ضعف دیپلماسی جمهوری آذربایجان بوده است.

در این راستا در 21 دسامبر 2000، اسرائیل در رای‌گیری مجمع عمومی سازمان ملل در خصوص تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان، رای ممتنع داد. (17)

اما این موضع از سال 2001 و دقیقاً در رای‌گیری 15 دسامبر 2001 سازمان ملل در خصوص تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان تغییر پیدا کرده است. چرا که در این رای‌گیری اسرائیل برای اولین بار برخلاف آمریکا و فرانسه به تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان رای مثبت داد.

به باور کارشناسان سیاسی این موضع بیشتر ناشی از ناکامی اسرائیل در رسیدن به انتظارانش در روابطش با ارمنستان می‌باشد. برغم درخواستهای مکرر اسرائیل تاکنون ارمنستان با افتتاح سفارت در اسرائیل موافقت نکرده است. این موضوع نیز ناشی از دیپلماسی فعال ایران و نوع روابط ایران و ارمنستان می‌باشد. در واقع تل آویو برای فشار به ارمنستان و خلل در نوع و کم و کیف روابط ایران و ارمنستان اقدام به تغییر محسوس موضع اش در قره باغ بمنظور فشار بر ارمنستان کرده است. ضمن اینکه تل آویو نگران است که باکو در پی ناکامی‌های سالهای گذشته در رسیدن به انتظارانش در روابط با اسرائیل بویژه موضوع مصوبه 907 کنگره آمریکا و جذب کمک‌های مالی غرب در سیاستهای خود تغییراتی بدهد. از اینرو تل آویو کوشیده است که با تغییر محسوس موضعش در مناقشه قره باغ ضمن فشار به ارمنستان، زمینه را برای نفوذ بیشتر در جمهوری آذربایجان بویژه در راستای برآورده کردن اهدافی نظیر استفاده از خاک جمهوری آذربایجان برای جاسوسی علیه ایران یا انداختن تفرقه‌های قومی در شمال ایران با تقویت گروههای شورونست در جمهوری آذربایجان در پوشش اجاره زمینهای کشاورزی برسد. در واقع به نظر می‌رسد آمریکا نیز در راستای این اهداف اسرائیل، به نوعی کوشیده است ارمنستان را تحت فشار قرار دهد. در این راستا دولت آمریکا 11 می 2002 اعلام کرد که چند شرکت پژوهشی ارمنستان را به دلیل همکاری با ایران تحریم اقتصادی خواهد کرد. رابرت کوچاریان رئیس جمهور ارمنستان این تصمیم آمریکا را که اولین مورد آن در طی یک دهه گذشته است را حادثه‌ای دور از انتظار عنوان کرد.

دقیقاً به همین دلیل نیز از دسامبر 2001 به بعد شاهد یک سلسله موضع‌گیریهای قابل توجه اسرائیل در خصوص ارمنستان هستیم. به عنوان یک نمونه جالب می‌توان به اظهارات فوریه 2002 سفیر اسرائیل در ارمنستان در خصوص مساله کشتار 24 آوریل 1915 ارمنه توسط ترکهای عثمانی اشاره کرد، موضوعی که برای ارمنه حساسیت فوق العاده‌ای دارد.

«ریوکاوتنین» سفیر اسرائیل در ارمنستان فوریه 2002 ادعاهای دولت ارمنستان در خصوص کشتار ارمنه را منفی و غیرواقعی ارزیابی کرد. (18)

این موضع موجب بروز تنش در روابط ارمنستان و اسرائیل شد. در همین رابطه وزارت امور خارجه ارمنستان یادداشت اعتراض آمیزی منتشر کرد و سفیر رژیم صهیونیستی در ارمنستان را احضار کرد. جالب اینکه خود رژیم صهیونیستی از عاملان علم کردن مساله کشتار 1915 ارمنه در پارلمان کشورهای اروپایی بویژه در سالهای 2001 و 2000 شناخته می‌شود. حتی موشه کامهی وزیر آموزش و پرورش رژیم صهیونیستی در سال 2000 خواهان تدریس مساله کشتار 1915 ارمنه در کتب درسی اسرائیل شده بود. از اینرو موضع گیری فوریه 2002 سفیر اسرائیل در ارمنستان در خصوص کشتار 1915 ارمنه همزمان با چندین بار تاکید وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان بر تصمیم باکو به گشایش سفارت در تل آویو تا پایان سال 2002 چیزی جز یک پیام آشکار سیاسی به ارمنستان نبوده است.

در چنین شرایطی باید گفت که اسرائیل نیز بمانند کشورهای غربی از مناقشات قفقاز جنوبی بویژه مناقشه قره باغ برای پیشبرد اهداف خود در قفقاز جنوبی استفاده می‌کند. دقیقاً به همین خاطر نیز اسرائیل تداوم شرایط نه صلح و نه جنگ در قفقاز را زمینه مساعدی برای گسترش نفوذ خود در منطقه می‌داند. ضمن اینکه اسرائیل طی سالهای گذشته همسو با آمریکا کوشیده است مانع نقش آفرینی مثبت کشورهای منطقه از جمله ایران در حل و فصل مناقشه قره باغ شود. چرا که این موضوع زمینه حضور ایران در قفقاز و تاسیس یک سیستم امنیتی جمعی منطقه‌گرا در منطقه قفقاز جنوبی را فراهم تر می‌سازد. از اینرو باید گفت اقدامات اسرائیل طی یک دهه گذشته یکی از علل تداوم و حتی لاینحل ماندن مناقشات قفقاز جنوبی است.

ج - راهکارها (توصیه‌هایی برای ایران)

چنانچه از مطالب صفحات قبل برمی‌آید مجموع تحرکات اسرائیل در قفقاز جنوبی منافع و امنیت ملی ایران را به خطر می‌اندازد.

ایران تنها کشوری است که مرز طولانی و منحصر بفردی با قفقاز جنوبی دارد. جمهوری اسلامی ایران تنها کشوری است که با یک مرز طولانی با چهار حوزه فرهنگی سیاسی نسبتاً متفاوت قفقاز جنوبی شامل حوزه فرهنگی - سیاسی جمهوری آذربایجان، قره باغ، ارمنستان و جمهوری خودمختار نخجوان هم مرز است که در دیاگرام صفحه بعد این موضوع نمایش داده شده است.

با توجه به اشتراکات تاریخی و فرهنگی ایران با منطقه قفقاز جنوبی و نوع جبر ژئوپلیتیک منطقه ایران نمی تواند به تحركات امنیتی اسرائیل در قفقاز جنوبی بویژه نوع مواضع اسرائیل در خصوص کانونهای بحرانی قفقاز جنوبی و کم و کیف روابط سه جمهوری قفقاز جنوبی با اسرائیل بی توجه باشد. چرا که مهمترین هدف اقدامات امنیتی اسرائیل در قفقاز را ایران ستیزی و در مرحله بعد اجرای سناریوی «همه چیز بدون ایران» در منطقه را تشکیل می دهد.

برای مقابله با تحركات امنیتی اسرائیل در قفقاز جنوبی جمهوری اسلامی ایران از لحاظ سیاسی، اقتصادی، فرهنگ و تبلیغاتی و نظامی از امکانات قابل توجهی برخوردار است.

یکی از راهکارهای موجود برای جلوگیری از نفوذ اسرائیل در منطقه قفقاز جنوبی، افشای ماهیت توسعه طلبانه اسرائیل برای مردمان قفقاز جنوبی است. طی یک دهه گذشته رهبران لایبیک جمهوریهای قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی که عمدتاً همان دبیران اول حزب کمونیست دوران اتحاد جماهیر شوروی سابق هستند، با تداوم شیوه های تبلیغاتی دوران خفقان شوروی، مانع از آگاهی کامل مردمان مسلمان منطقه از جنایات ددمنشانه و ماهیت توسعه طلبانه اسرائیل شده اند. این موضوع همسو با منافع غرب و ناشی از بینش غربگرایانه رهبران لایبیک جمهوریهای قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی است. به خاطر بایکوت خبری و تبلیغاتی حاکم بر منطقه در مورد اسرائیل و ماهیت دوگانه آن است که می بینیم وقوع تظاهرات ضد صهیونیستی در میان مسلمانان قفقاز و آسیای مرکزی در مقایسه با سایر مسلمانان سایر نقاط جهان کمتر است. اگر چه این موضوع تا حدودی نیز از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی ناشی است. در چنین شرایطی ایران می تواند از لحاظ تبلیغاتی راهکارهایی اتخاذ کند که ماهیت توسعه طلبانه رژیم غاصب قدس شریف به ویژه پس از آغاز انتفاضه جدید مردم فلسطین را برای مردمان قفقاز جنوبی آشکار سازد. تقویت این محور در شبکه های برون مرزی صدا و سیما و سایر شبکه های برون مرزی و نیز تقویت برخی از مطبوعات قفقاز نظیر نشریه نبض جمهوری آذربایجان و تضعیف برخی دیگر نظیر روزنامه 525، هفته ایچی و ... باکو بدون جا گذاشتن رد پا از این راهکارها می تواند باشد.

افشای ماهیت دوگانه و غیردوستانه سیاست های اسرائیل در قفقاز از دیگر راهکارهای ایران برای جلوگیری از تحركات امنیتی تل آویو در قفقاز جنوبی می تواند باشد. هدف غایی این راهکار زیر سوال بردن سیاست برخی از جمهوریهای قفقاز جنوبی نظیر جمهوری آذربایجان و گرجستان در تاکید بر مناسبات دوستانه با اسرائیل در نزد افکار عمومی منطقه است. به عنوان مثال جمهوری آذربایجان از جمله جمهوریهای قفقاز جنوبی است که طی سالهای گذشته کوشیده است، روابط خود را با اسرائیل گسترش دهد. بطوریکه اواخر سال 2001 ولایت قلی اف وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان تاکید کرد که تا اواخر سال 2002 سفارت جمهوری آذربایجان در تل آویو افتتاح خواهد شد. (19)

برای زیر سوال بردن سیاست دولت آقای علی اف رئیس جمهور آذربایجان در تاکید بر گسترش مناسبات با رژیم نژادپرست اسرائیل می توان به مواردی نظیر رای های ممتنع اسرائیل به تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان در سالهای گذشته، عدم تلاش اسرائیل برای لغو مصوبه 907 کنگره آمریکا علیه جمهوری آذربایجان برغم دهها بار درخواست جمهوری آذربایجان به عنوان نموده های سیاست غیردوستانه و دوگانه تل آویو در منطقه اشاره کرد. گفتنی است براساس مصوبه 907 کنگره آمریکا که در سال 1992 تصویب شد جمهوری آذربایجان به اتهام محاصره اقتصادی ارمنستان از دریافت کمک های مالی بلاعوض آمریکا محروم شده است، این مصوبه از دسامبر 2001 با مطرح شدن مبارزه جمهوری آذربایجان در باصطلاح مبارزه با تروریسم به سرکردگی آمریکا برای مدت یک سال توسط مجلس سنای آمریکا و با قرار دادن شروطی تحقیرآمیز به حالت تعلیق درآمده است. در عین حال می توان به مواردی نظیر اظهارات توهین آمیز سفیر سابق اسرائیل در باکو که در سال 2000 در مجادله با رییس یک شبکه تلویزیونی جمهوری آذربایجان عنوان کرد، اشاره کرد.

گفتنی است اوایل ژوئن 2000 آرکادی میلمان سفیر سابق رژیم صهیونیستی در باکو در مجادله لفظی با «واحد مصطفی اف» رئیس شرکت رادیو و تلویزیون خصوصی «آ.ان.اس» جمهوری آذربایجان بطور گستاخانه ای مردم جمهوری آذربایجان را برده عنوان کرد. (20)

افشای پیامدهای منفی حضور اسرائیل در قفقاز جنوبی از جمله راهکارهای تبلیغاتی دیگر ایران برای مقابله با اهداف تل آویو در منطقه قفقاز جنوبی می تواند باشد. واقعیت این است که اسرائیل به علت ماهیت توسعه طلبانه خود بمانند آمریکا هر جا پاگیر شده، منشاء ناامنی در آن منطقه شده است. بنابراین برای دول و ملل قفقاز جنوبی این موضوع باید تبیین شود که اسرائیل نه تنها کمکی به حل و فصل معضلات امنیتی قفقاز نخواهد کرد، بلکه باید گفت پیامدهای ناشی از حضور اسرائیل در قفقاز جنوبی نیز نظیر ایجاد شدن صف آرای امنیتی در منطقه موجب پیچیده شدن معادلات امنیتی منطقه شکننده قفقاز جنوبی و حتی لاینحل شدن آنها می شود. به عنوان نمونه در نتیجه تحركات امنیتی ترکیه و رژیم صهیونیستی روابط ارمنستان و گرجستان که طی سالهای گذشته حسنه بوده است، در حال تیرگی بویژه از اوایل سال 2002 است، پیش از این اتحاد امنیتی موسوم به اتحاد جمهوری آذربایجان، ترکیه و رژیم صهیونیستی مطرح بوده است. از اواخر آوریل سال 2002 با تاسیس اتحاد امنیتی جمهوری آذربایجان، گرجستان و ترکیه در ترابوزان ترکیه در واقع سعی شده است که گرجستان نیز وارد اتحاد امنیتی جمهوری آذربایجان، ترکیه و رژیم صهیونیستی شود. این موضوع موجب نگرانی شدید مقامات ارمنستان شده است که یکی از اهداف این اتحاد را با توجه به نوعی جهت گیریهای جمهوری آذربایجان و ترکیه، ارمنستان می دانند. از اینرو دولتمردان ارمنستان بارها نسبت به گرجستان هشدار داده اند. تداوم این موضع ممکن است موجب اقدامات تلافی جویانه ارمنستان برای تحریک ارمنه استان آخالکالاک و منطقه جاواخک گرجستان که هم مرز با ارمنستان هستند، بشود که نتیجه ای جز ایجاد و اگرایی در منطقه و شدت بخشیدن به مشکلات قومی و تجزیه طلبانه در گرجستان نخواهد داشت که این موضوع خود یکی از پیامدهای حضور اسرائیل در قفقاز جنوبی می باشد.

همسو با راهکار بالا ایران می توان ضمن گسترش روابط با تمامی جمهوریهای قفقاز جنوبی بویژه ارمنستان، تلاش کند تا مانع از افتادن هر چه بیشتر گرجستان در دامان ترکیه، جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی شود. در این راستا گسترش مناسبات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با گرجستان و تاکید بر اشتراکات تاریخی و فرهنگی می تواند مثر ثمر باشد. در عین حال چنانچه گفته

شد ایران می تواند با تقویت عوامل همگرایی در منطقه با همه جمهوری های قفقاز جنوبی از جمله جمهوری آذربایجان روابطش را گسترش دهد تا عرصه را برای رژیم صهیونیستی خالی نگذارد. به عنوان نمونه مقامات جمهوری آذربایجان همواره در صحبت های غیررسمی خود در خصوص واگذاری زمینهای کشاورزی به اسرائیل به این نکته تاکید می کنند: «چون ایران مشتری نبود و اسرائیل می خواست در اختیار تل آویو قرار دادیم.»

بعنوان یک راهکار دیگر باید گفت مطرح شدن خطوط لوله انتقال انرژی نظیر باکو - جیحان و باکو - تقلیس - ارزروم در صورت تحقق نه تنها ایران را از مشارکت در طرحهای کلان اقتصادی منطقه قفقاز جنوبی کنار خواهد گذاشت، بلکه این موضوع یکی از عوامل اتصال و اتحاد جمهوری آذربایجان، گرجستان و ترکیه و به تبع آن رژیم صهیونیستی و آمریکا در منطقه قفقاز جنوبی است. چنانکه آرکادی میلان سفیر سابق رژیم صهیونیستی در باکو چهارشنبه بیست و پنجم فروردین ماه 1378 در یک مصاحبه مطبوعاتی در باکو تاکید کرد که اسرائیل به شدت از طرح باکو - جیحان حمایت می کند. (21)

بنابراین عدم تحقق این طرحها موفقیت بزرگی برای ایران در قفقاز جنوبی محسوب می شود. از اینرو ایران ضمن تبلیغ مشکلات فنی، زیست محیطی، مالی و امنیتی این طرحهای سیاسی و تبلیغ اقتصادی بودن مسیر ایران، برای جلوگیری از تحقق این طرحها و انداختن آنها به سر نوشت خط لوله آمریکایی ترانس خزر می تواند با مشارکت راهبردی با روسیه مانع مشارکت قزاقستان در خط لوله باکو - جیحان شود.

چرا که چنانچه «دیوید وودوارد» رییس شرکت بین المللی عملیات نفت جمهوری آذربایجان چهاردهم مارس 2002 در کنفرانس بین المللی نفت و گاز و انرژی در تقلیس گرجستان تاکید کرد بدون نفت قزاقستان خط لوله باکو - جیحان امکان ناپذیر است. (22)

تلاش برای کنترل و تخریب روابط ارمنستان و ترکیه از جمله راهکارهای دیگر ایران برای جلوگیری از تعمیق نفوذ اسرائیل در منطقه قفقاز جنوبی است. چرا که ترکیه همچون زنجیره اتصال حضور اسرائیل در منطقه قفقاز جنوبی است. بنابراین هر چه نفوذ ترکیه در قفقاز جنوبی کمتر باشد، به همان اندازه از نفوذ رژیم صهیونیستی نیز در منطقه کاسته خواهد شد. در این میان پیوند ترکیه با قفقاز جنوبی توسط ارمنستان محدود شده است. در حال حاضر ارتباط ترکیه با قفقاز از طریق گرجستان و ایران است. امتیاز مهم برای ایران آن است که دو کشور ترکیه و ارمنستان به خاطر اختلافاتی نظیر مساله کشتار 1915 ارمنه و ادعای ارضی برخی محافل ارمنی علیه ترکیه با یکدیگر روابط سیاسی ندارند. اما از مارس سال 2000 ترکیه با وقوف به موقعیت ژئوپلیتیکی ارمنستان در قفقاز و نیز بخاطر منافع اقتصادی، خواست غرب و برای جلوگیری از تداوم مطرح شدن جهانی مساله کشتار 1915 ارمنه با استقبال از فعالیت کمیسیون آشتی ترکیه - ارمنستان، بازگشایی بخشی از مرزهایش با ارمنستان، ارتقاء جایگاه خلیفه گری ارمنه در ترکیه و انجام اقداماتی بی سابقه نظیر شرکت در کنفرانس دو روزه ناتو در ارمنستان در فوریه 2002 و یا اعزام خبرنگاران و روزنامه نگاران به ارمنستان و به قره باغ بدون دریافت ویزای جمهوری آذربایجان و یا شرکت چهار نماینده پارلمان ترکیه در نشست مجالس کشورهای سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه در آوریل 2002 در ایروان و ادای احترام آنها به بنای یادبود کشتار ارمنه کوشیده است روابط خود را با ارمنستان عادی بسازد.

از اواخر سال 2001 ترکیه به برقراری و اجرای روادید میان دو کشور ارمنستان و ترکیه اقدام نموده است. (23)

لازم به ذکر است که تاکنون چنین نبوده است و ارمنه جهت رفتن به ترکیه روادید این کشور را باید از سایر کشورها دریافت می کردند. در صورت تحقق این موضوع با توجه به روابط قابل توجه ترکیه با گرجستان و جمهوری آذربایجان باید گفت ترکیه به عنوان متحد منطقه ای آمریکا و رژیم صهیونیستی از موقعیت ویژه ای برای پیشبرد اهداف اش در قفقاز برخوردار خواهد شد. دیدار سه جانبه وزرای امور خارجه ترکیه، ارمنستان و گرجستان در اواسط می 2002 در پایتخت ایسلند به منزله زنگ خطری در این خصوص است بویژه اینکه ارمنستان نیز برای فشار به باکو، به عادی کردن روابط با ترکیه علاقمند است و در حال حاضر از گفتگوهای رسمی دو کشور استقبال می کند. از اینرو ایران حداقل می تواند با تشریح پیامدهای عادی سازی روابط ترکیه و ارمنستان بر موقعیت باکو در مناقشه قره باغ بویژه با توجه به اینکه جمهوری آذربایجان ترکیه را به عنوان متحد استراتژیک خود در مقابل ارمنستان و روسیه مطرح می کند. روابط ترکیه و جمهوری آذربایجان را تحت تاثیر قرار دهد و از این طریق ترکیه را تحت فشار قرار دهد. در این خصوص می توان برخی اقدامات ترکیه در عادی سازی روابطش با ارمنستان اشاره کرد و مواردی نظیر عدم نقش آفرینی ترکیه در گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا برای حل و فصل مناقشه قره باغ برغم عضویت در آن، سکوت ترکیه در مقابل دو بیانیه برخی از نمایندگان کنگره آمریکا در اواخر سال 2001 برای عبور خط لوله باکو - جیحان از مسیر ارمنستان را برجسته ساخت.

کوبیدن سیاست ناتوگرایی برخی از جمهوریهای قفقاز جنوبی نظیر جمهوری آذربایجان و گرجستان می تواند یکی از بهانه های نفوذ امنیتی - نظامی رژیم صهیونیستی و ترکیه در قفقاز جنوبی را کاهش دهد. چرا که یکی از بهانه های نفوذ نظامی رژیم صهیونیستی در قفقاز جنوبی مساله رساندن ارتش جمهوریهای قفقاز جنوبی به سطح استانداردهای ناتو است. در عین حال ایران می تواند مانع تقویت پیمانهای نظامی و غربگرایانه منطقه نظیر پیمان گوم متشکل از پنج جمهوری آذربایجان، گرجستان، ازبکستان، اوکراین و مولداوی که در سال 1997 تاسیس شده است، بشود. این پیمانها عمدتاً محل رخنه رژیم صهیونیستی، آمریکا و ترکیه است.

در این راستا «استیون پایفر» دستیار معاون وزیر امور خارجه آمریکا در کیف پس از حادثه یازدهم سپتامبر گفته است، پیمان گوم می تواند در زمینه های تحکیم مرزها بین پنج کشور مورد توجه قرار گیرد. دیپلمات آمریکایی در ادامه افزود در چنین صورتی آمریکا از گوم حمایت مالی می کند. (24)

در نهایت باید گفت مهمترین راهکار امنیتی ایران در قفقاز جنوبی برای جلوگیری از نفوذ بیگانگان از جمله آمریکا و فرزند نامشروع آن رژیم صهیونیستی تلاش برای اجرای مدل امنیتی 3+3 در منطقه قفقاز جنوبی بعنوان یک مدل امنیتی جمعی منطقه گرا در قفقاز جنوبی است. براساس این مدل، امنیت در قفقاز جنوبی باید توسط سه جمهوری قفقاز جنوبی بعلاوه سه قدرت هم مرز با قفقاز جنوبی یعنی ایران، ترکیه و روسیه تثبیت شود. تحقق این مدل امنیتی همسو با اصل امنیت هر منطقه که باید توسط کشورهای آن منطقه تامین شود، می باشد. تحقق این مدل امنیتی موجب کاهش دخالت بیگانگان از جمله رژیم صهیونیستی در معادلات امنیتی منطقه، غیرنظامی شدن منطقه چنانچه به نوعی در قرارداد 1921 مودت میان و شوروی نیز تاکید شده است، خواهد شد و ضریب همگرایی منطقه ای را افزایش خواهد داد.

یادداشت ها

- 1- واحد مرکزی خبر، 1380/6/19، برقراری پرواز بین باکو و تل آویو
- 2- ایرنا، 74/5/7، افزایش مهاجرت یهودیان از جمهوری آذربایجان
- 3- روس های مهاجر در اسرائیل، تامار هورویتس، فصلنامه قفقاز و آسیای مرکزی، شماره 28، زمستان 1378، ص 147.
- 4- ایرنا، 79/6/15، تاکید رئیس جمهور ازبکستان بر گسترش روابط با رژیم صهیونیستی
- 5- واحد مرکزی خبر، رژیم صهیونیستی به حامیان طرح باکو – جیحان پیوست. 8/4/78 ساعت 23:03
- 6- استراتژی اسرائیل در جمهوری آذربایجان و آسیای مرکزی، نشریه سیاسی نظامی وزارت دفاع، شماره 238، ص 51
- 7- علی اکبر رضایی، اسرائیل در آسیای مرکزی، فصلنامه قفقاز و آسیای مرکزی، سال هفتم، شماره 23، پاییز 77
- 8- خبرگزاری رویتر، 29 اوت 1997، Netanyahu shops for oil during Azeri stopover
- 9- واحد مرکزی خبر، سفر معاون وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی به باکو، 79/10/26
- 10- ایرنا، همکاری مشترک پارلمانی اسرائیل، آمریکا و جمهوری آذربایجان، 78/1/20 ساعت 18:32
- 11- آواگ هاروتیونیان، پیمان ترکیه – اسرائیل ابزاری در دست پان ترکیسم و صهیونیسم، مجله دارز ارمنستان، شماره 21، مارس 2001، ترجمه سفارت ایران در ارمنستان، ترجمه مانوکیان، صص 4-6
- 12- قفقاز پرس، پیام رییس جمهور آذربایجان به نخست وزیر اسرائیل، 21 آوریل 2000
- 13- واحد مرکزی خبر، آغاز همایش بین المللی یهودیان قفقاز در باکو، 80/2/4
- 14- نمایندگی وزارت امور خارجه در استانهای آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل، بولتن خبری شماره 8، ص 7.
- 15- سایت WWW.Radis.org، اخبار روز، 26 ژانویه 2001
- 16- ایرنا، 80/12/27 گرجستان و رژیم صهیونیستی در زمینه مهمات نظامی همکاری می کنند.
- 17- خبرگزاری آرمن پرس، 22 دسامبر 2000 – WWW.ARMENPRSS.COM
- 18- روزنامه کاسپی، چاپ باکو، شماره 80/12/7
- 19- سایت سفارت ایران در ارمنستان، بخش اخبار 17 دسامبر 2001، WWW.IRANEMBASSY.AM
- 20- ایرنا، 1379/3/28، روابط جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی سرد شده است.
- 21- واحد مرکزی خبر، 1378/1/26، حمایت مجدد رژیم صهیونیستی از طرح احداث باکو – جیحان
- 22- خبرگزاری پرایم نیوز گرجستان، 14 مارس 2002 WWW.PRMENEWSONLINE.COM
- 23- روزنامه ینی آذربایجان، چاپ باکو – تاریخ 80/10/22
- 24- روزنامه 525، چاپ باکو – تاریخ 80/12/07، آمریکا از گوام حمایت مالی می کند.